

تأثیر نظریه سرمایه اجتماعی بر قانون گریزی شهروندان

ماجد رضایی، اسپیده محسنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۱۲

چکیده

در این مطالعه به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر قانون‌گریزی پرداخته شده است. و مولفه های سرمایه اجتماعی همچون حمایت های اجتماعی، مشارکت، آگاهی، همیاری و اعتماد اجتماعی را بر فرد قانون گریز که با رفتار عمدی خود قوانین رسمی جامعه را نادیده می گیرد را بر اساس مکتب شیکاگو، نظریه نابهنجاری دورکیم، خنثی سازی ساترلند تبیین می کنیم. افراد به واسطه شبکه اجتماعی قادرند اهدافشان را پیگیری و برای کسب منافع متقابل با یکدیگر همکاری کنند. اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آن برای دستیابی به اهدافی که به تنهایی قادر به کسب آن نیستند یا به دشواری موفق به کسب آن می شوند همکاری می کنند و زمانی که در شبکه اجتماعی قرار می گیرند سعی می کنند ارزش های مشترکی با سایر اعضای گروه داشته باشند و از این طریق سرمایه ای به دست بیاورند که حاصل روابط و تعاملات آنان است. از این جهت هرچقدر افراد بیشتری را بشناسند و دیدگاه های مشترکی با آن ها داشته باشند، سرمایه اجتماعی غنی تری کسب می کنند. پاتنام، از جمله نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان را بنیادی ترین جز سرمایه اجتماعی می داند. در ابتدا به بیان سرمایه اجتماعی می پردازیم و در ادامه عوامل موثر بر کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظریه پردازان را مورد بررسی قرار می دهیم و در آخر تأثیرات آن بر قانون گریزی بررسی می شود

واژگان کلیدی: قانون گریز، سرمایه اجتماعی، حقوق شهروندی، ناهنجاری

***** ۱

***** ۲

مقدمه

از مباحث پاتنام، پاکستون، استون و هیوز، سرمایه اجتماعی با شاخص های ذیل تعریف شده است:

- آگاهی اجتماعی: به معنای کسب اخبار مختلف اجتماعی و اقتصادی است.
- مشارکت: فعالیت در هیئت های مذهبی، انجمن های خیریه، باشگاه های ورزشی، گروه های علمی هنری صنفی.
- اعتماد: اطمینان عمومی به مردم و حسن ظن به افراد جامعه، اعتماد به نهادهای رسمی از قبیل مساجد، شهرداری، نیروی انتظامی و شورای شهر
- همبازی تعمیم یافته: کمک به دیگران و حمایت کردن در جنبه های مختلف مالی و عاطفی بدون چشم داشت از کسانی که نمی شناسیم. (طالب، ۱۳۶۸، ۱۷)
- شبکه روابط: روابط با افراد مختلف از جمله خویشاوندان دوستان همکاران و همسایگان.
- حمایت اجتماعی: میزان دریافت حمایت در مواقع نیاز به پول، همفکری و مشورت، هم صحبتی، نگهداری از فرزندان، اسباب کشی یا تعمیرات جزئی (مومنی، ۱۳۸۰، ۶۱)

قانون گریز

قانون گریزی یک ناهنجاری می باشد که حتما باید تلاش کرد تا این ناهنجاری رفع شود. جامعه ایرانی هم مانند جوامع دیگر از عدم توجه شهروندان به قوانین موجود رنج می برد و با تحقیقات به عمل رسیده به این نتیجه رسیدند که جامعه ایرانی تمایل زیادی به رعایت قانون ندارد و نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارها که دارای ضمانت اجرایی رسمی است. شیوع این رفتار، میزان قانون گریزی افراد را تعیین می کند. مانند اشتغال بدون مجوز، بی توجهی به علائم راهنمایی و رانندگی

فقر فرهنگی

طبق نظر جیمز کلمن عبارت است از نداشتن ارتباط متقابل مستمر با خانواده و نیز منزلت اجتماعی پایین که ناشی از عدم احساس امنیت در کنش متقابل اجتماعی است مانند کم توجهی خانوادگی، طلاق والدین، اعتیاد والدین، کم‌سواد والدین و... (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۴۰)

نگرش به قانون

عبارت است از ارزیابی فایده و انتظار فایده از رعایت قانون و حقوق دیگران (رفیع پور، ۱۳۷۱: ۲۶) مانند این احساس که رعایت قانون باعث احساس موفقیت میشود. یا قانون در همه جا وجود دارد با قانون به نفع همه مردم است. (مومنی، ۱۳۸۰: ۶۷)

مبانی نظری

زندگی اجتماعی انسان به وسیله قوانین و مقررات اداره می‌شود اگر افراد جامعه به این هنجارهای جامعه مقید نباشند فعالیت انسان متوقف یا دچار هرج و مرج خواهد شد. (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۱) آن‌گاه نظم اجتماعی مختل می‌شود. در این زمینه دورکیم معتقد است که وقتی نوسانات شدید اقتصادی همه ابعاد زیستی را دچار نابسامانی می‌کند، تنظیم اجتماعی سست می‌شود و میزان قانون‌گزینی در جامعه اوج می‌گیرد.

در عین حال نظریه پردازانی چون تاج نام و فوکویاما هم به تأثیر کاهش سرمایه اجتماعی بر انحراف اشاره کرده‌اند. (طالب، ۱۳۶۸: ۳۷) امروزه محققین در رشته‌های مختلف از این مفهوم برای تحلیل مسائل و مشکلات حوزه سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی استفاده می‌کنند

ملزم کردن افراد جامعه به قوانین اجتماعی یکی از مهم‌ترین ضروریات زندگی در جوامع امروزی است. زمانی که عده‌ای قوانین اجتماعی و باید‌ها و نبایدهای یک جامعه را زیر سؤال می‌برند ما با وضعیت قانون‌گزینی روبه‌رو هستیم. متأسفانه هرروزه شاهد موارد زیادی هستیم که افراد قانون را زیر پا می‌گذارند برای به دست آوردن حقوق و مزایای خود و حتی این نادیده گرفتن قانون را نوعی زرنگی می‌دانند.

هنجار از یک باید و نیایدهایی در جامعه صحبت می کند، هنجار به معنای با هم جور بودن و هم عقیده بودن و استعاره از یک زندگی توأم با تفاهم و سازگاری و مسالمت آمیز در جوار یکدیگر است و ناهنجاری نقض این هنجار می باشد.

از قانون تعاریف مختلفی ارائه دادند و بین نوشته های علمای حقوق اختلاف نظر وجود دارد ولی آنچه که مسلم است در اصطلاح قانون عبارت است از احکام و مقررات الزام آور که توسط مقامی که اختیار قانونگذاری دارد وضع و به موقع اجرا گذاشته می شود. در طول هر دوره از زندگی، انسان ها احساس کردند برای ادامه زندگی مشترک و تداوم زندگی نیاز به وضع مقررات است و در واقع قانون می آید که برای زندگی اجتماعی و مدنی، چارچوب تعیین کند. اولین قانون مدون بشری، حمورابی بود در سال های ۱۷۵۰ تا ۱۹۷۵ پیش از میلاد و اولین قانون اساسی جهان، قراردادی است که در اولین سال هجرت پیامبر به مدینه توسط ایشان تنظیم شد. قانون نوشته وسیله ی مهمی برای رعایت عدالت و حفظ حقوق انسان است چرا که انسان در زیر سایه قانون می تواند به خواسته های قانونی خود برسد و با وظایف و حقوق خود آشنا شود و هم چنین هرگونه مخالفت با قانون یعنی تعرض به حقوق سایر افراد و نادیده گرفتن آن ها و ما زمانی قانون گریزی داریم که قانون داریم ولی به مرور زمان فراموش می شود. (چلبی ، ۱۳۷۵ ، ۹۲)

وقتی ما در جامعه ای زندگی می کنیم که افراد به راحت ترین قوانین ممکن از جمله بستن کمربند برای ایمنی بیشتر خودشان توجهی نمی کنند ما شاهد تصادفات جاده ای و به دنبال آن ترافیک هستیم، این یعنی قانون گریزی...

این چنین افراد به قانون گریزی عادت کرده اند و هر لحظه به راه های جدید دور زدن قانون می اندیشند غافل از اینکه در این بین فقط حقوق خود را زیر پا گذاشته اند بلکه حقوق سایرین هم به راحتی نادیده انگاشتند.

قانون گریزان افراد خاصی نیستند و هر شخصی می تواند قوانین را زیر پا بگذارد. قطعاً در کلان شهرها که جمعیت به نسبت بیشتر است و کنترل کمتر، میزان قانون گریزی هم بیشتر است. علت ایجاد این قانون گریزی گاهی عدم اطلاع است یعنی افراد قانون را نمی شناسند و حتی مواردی مشکل به وضع قانون برمیگردد که از شفافیت برخوردار نیست.

بخشی از اعمال قانون گریزی در نتیجه احساس فاصله بین افراد طبقات پایین با سایر طبقات و نهادهای تنظیم کننده روابط است.

از دید برخی فقر و قانون‌گریزی آسیب‌های عمده اجتماعی هستند که در ارتباط با هم می‌باشند.

دورکیم معتقد است وقتی نوسانات اقتصادی شدید شود همه ابعاد زندگی را دچار نابسامانی می‌کند و میزان قانون‌گریزی اوج می‌گیرد. (چلبی، ۱۳۷۵. ۲۰۷)

منظور از این فقر فقط فقر اقتصادی نیست بلکه فقر اجتماعی، فرهنگی هم شامل می‌شود.

نظریات جامعه‌شناختی که علل قانون‌گریزی را توضیح می‌دهد:

۱. ارتباط فقر فرهنگی با قانون‌گریزی در نظریه بوم‌شناختی شیکاگو:

این مکتب بیشتر به دلیل جامعه‌شناسی شهری و توسعه، روش کنش متقابل نمادین شناخته می‌شود. (فکور، ۱۳۷۸. ۷۲) این نظریه قانون‌گریزی و به دنبال آن علل جرم را بر اساس فرهنگ مورد توجه قرار می‌داد که فرد در فرایند جامعه‌پذیر شدن خود تحت تاثیر فرهنگ قرار می‌گیرد و این فرایند جامعه‌پذیر شدن به وی اجازه می‌دهد مدل‌های فرهنگی جامعه خود را فرا گرفته و در خود درونی کند و مانع اخلاقی که باعث جلوگیری از ارتکاب جرم می‌شود دیگر وجود نداشته باشد که بیشتر در زمان مهاجرت افراد از روستا به شهر و روابط قومی نژادی پیش می‌آید. (کافی، ۱۳۷۴. ۲۵)

این مکتب شهر را به لایه‌های مختلف تقسیم می‌کند:

-لایه اول، مراکز تجاری اداری شهر قرار دارد و روزها فعال و شب خالی از سکنه بود.

-لایه دوم، منطقه گذر و ترانزیت که در حال ویرانی بود و اکثر مهاجران و فقیرترین افراد آن را اشغال می‌کنند زیرا قیمت ارزان بود

-لایه سوم، کارگران با زندگی معمولی

-لایه چهارم، منطقه مسکونی طبقه پولدار

این نظریه بیان می کند بیشترین بزهکاری در لایه دوم (منطقه ترانزیت) رخ می دهد زیرا تعداد مهاجران و باندهای مجرمانه زیاد است و این لایه را در اصطلاح کمربند فقر می گویند. در این لایه به علت پایین بودن سطح بهداشت عمومی، تراکم جمعیت، نبود شغل رفتارهای قانون گریزانه بیشتر است. (چلبی ، ۱۳۷۵ . ۸۴)

۲. نظریه معاشرت های ترجیحی یا افتراقی:

ساترلند بیان می کند حتی مدیران هم مرتکب جرم می شوند و او معتقد بود جرم فراگرفتنی است یعنی افراد در تعامل و ارتباط هم قانون گریزی و بدنبال آن جرم را یاد می گیرند. هرچند به این نظریه ایراداتی وارد ساختند.

۳. نظریه فشار:

مرتن بر این اعتقاد است که انسان ها ذاتاً منحرف نیستند بلکه در اثر فشار به سوی جرم کشیده می شوند و علت را در ساختار اجتماعی جامعه می دانند که بی عدالتی اقتصادی جنبه جرم زدایی به خود می گیرد. از دید مرتن، انحراف محصول نابهنجاری است. در هر جامعه ای اهداف و مقاصد تعریف شده ای وجود دارد که این اهداف، مجاز هستند و جامعه هم برای رسیدن به این اهداف، ابزار مشروعی را قرار داده است ولی زمانی نابهنجاری پیش می آید که بین این اهداف و ابزار توازن نباشد. برای مثال یکی از این اهداف، به دست آوردن ثروت است و فقط قشر کمی می توانند از راه مشروع به این هدف برسند و سایرین مجبور به استفاده از راه های غیر قانونی می شوند.

۴. نظریه آنومی دورکیم

دورکیم جوامع را به دو دسته جوامع مکانیکی و ارگانیک تقسیم می کند.

در جوامع مکانیکی انسجام درونی ناشی از وجدان جمعی است و این وجدان جمعی مانع از قانون‌گریزی می‌شود. در این جوامع تقسیم‌کار و همبستگی قوی است. (کافی، ۱۳۷۴. ۱۰۷)

جوامع ارگانیک بحث فردیت مطرح می‌شود و جوامع صنعتی از این قبیل هستند. از نظر دورکیم جرم امری بهنجار است ولی این به معنای خوب بودن جرم نیست بلکه منظور او از این واژه این است که فرض جامعه بدون وجود جرم امکان‌ناپذیر است. دورکیم معتقد است با پیشرفت و توسعه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی سست می‌شوند و سنت‌ها از بین می‌رود که به دنبال آن شرایط بی‌هنجاری و آنومیک پیش می‌آید. (فکور، ۱۳۷۸. ۱۷)

با این حال وی معتقد بود جامعه‌ای با وضعیت بی‌هنجاری کامل نداریم بلکه در برخی شرایط و زمان‌ها این قانون‌گریزی به اوج خود می‌رسد.

در جوامعی که همبستگی کم است قواعد اجتماعی کمتر التزام آور می‌شوند و فشار هنجارهای اجتماعی کم می‌شود و افزایش جرم و قانون‌گریزی را داریم. دورکیم این وضعیت را آنومی می‌شناسد.

نتیجه‌گیری

می‌توان گفت بسیاری از قانون‌گریزی‌ها از وضعیت اقتصادی و یا فرهنگی خود افراد نشأت می‌گیرد و فقر فرهنگی و اقتصادی از مهمترین عوامل رفتارهای قانون‌گریزانه می‌باشد.

با توجه موضوع کاهش ارزش احترام به قانون و بی‌توجهی به قانونمندی در جامعه شاهدیم که گاهی رعایت قانون یک ضد ارزش تلقی می‌شود و اگر فردی منضبط و قانون‌مدار باشد خیلی‌ها نگاه مثبتی به او ندارند. در نتیجه این که قانون‌گریزی از بین بردن حقوق دیگران است و در هر جامعه‌ای که این ناهنجاری وجود داشته باشد ناپسند است.

ارائه راهکار:

شهروندگرایی در پیشگیری از اعمال قانون‌گریزانه اهمیت بسزایی دارد بنابراین لازم است تا از طریق فعال‌سازی انجمن‌های محلی و یا تشکل‌های غیردولتی با حمایت سازمان ملی جوانان و کانون‌های فرهنگی مساجد برای عموم شهروندان بتوان الگوی ارتباطات نارسمی فراهم نمود.

-توجه به مسائل قانون گریزی به عنوان یک پدیده اجتماعی آسیب زا با سایر پدیده ها همچون بیکاری - تبعیض و تعارض جنسیتی قومی مذهبی - ارتشا - اعتیاد - طلاق مرتبط است بنابراین اقدام در جهت تقویت قانون گرایی باید هماهنگ با تقویت عوامل باشد. وقتی که برخی از قانون گریزی ها بخاطر قرار گرفتن افراد در طبقات پایین اجتماعی است و این افراد بخاطر فاصله خود با سایرین دست به ناهنجاری می زنند می توان امکانات رفاهی از قبیل بهداشت، مسکن و آموزش را برای آن ها تدارک دید. هم چنین خود جامعه هم مکلف است قوانین صریحی را وضع کند و اطلاع رسانی کند زیرا که هر جامعه ای نیاز به نظم دارد و نظم هم پیرو ایجاد قانون بی ابهام است. متأسفانه کشور ما از قدرت و خشونت استفاده می کند و افراد از روی ترس قوانین را رعایت می کنند درحالی که نخست شهروند باید درک کند و سپس از آن تبعیت کند. نقش مهم آموزش هم نمی توان نادیده گرفت و باید از طریق وسایل و ارتباط جمعی، مدارس، معلمان فضاهایی را در نظر گرفت تا از سنین پایین با قانون و هنجار و توجه به آن آشنا شوند.

فهرست منابع

محمد جعفر لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش،
۱۳۸۰

امیر کافی، مهدی (۱۳۷۴) اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن، نمایه پژوهش، شماره
۱۸

چلبی مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، نشر نی؛ چاپ اول، تهران

طالب مهدی (۱۳۶۸) تامین اجتماعی، انتشارات آستان قدس، تهران

فیلد، جان (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران
:کویر.

فکور، علی (۱۳۷۸) قانون، قانون‌گرایی. گروه‌های اجتماعی، فرهنگ عمومی، شماره ۹۸

ممتاز، فریده (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.

مومنی پروین (۱۳۸۰) قانون‌گریزی - علل و عوامل آن، نشریه وکالت، شماره ۵